



بازخوانی یک گفت‌وگو  
با حبیب‌ا... صادقی

«هنر انقلاب»  
سفارش از  
درون است

۸

سیل پایان هفته بیش از ۵۰ کشته و مفقود برجای گذاشت

# خروش سیلاب موج امداد

از آن جاکه سازمان هواشناسی به سازمان های مختلف هشدار وقوع سیل را داده بود، انتظار می‌رفت این هشدارها جدی تر گرفته شود

۱۴



هیات دولت در پایتخت تاریخ ایران

## برنامه جدی دولت برای تامین مسکن

سیاست

۲



گزارشی از برنامه رئیس قوه قضاییه در سفر استانی به بوشهر

## صیانت از بیت المال در گمرک

سیاست

۲

ویژه

اپرای عاشورا با ساختاری متفاوت  
در تالار وحدت اجرا می شود

## یک آیین قدسی روی صحنه نمایش

۱۱

## خشکاندن ریشه ورزش

شهریه بسیاری از باشگاه‌های ورزشی  
خودسرانه زیاد شد

۴

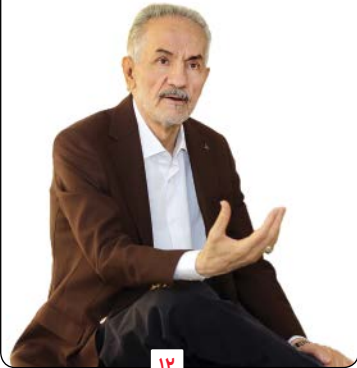
## رژه روی روان کاربران

اینستاگرام بدترین شبکه اجتماعی از لحاظ  
تأثیرات منفی روی سلامت جوانان است

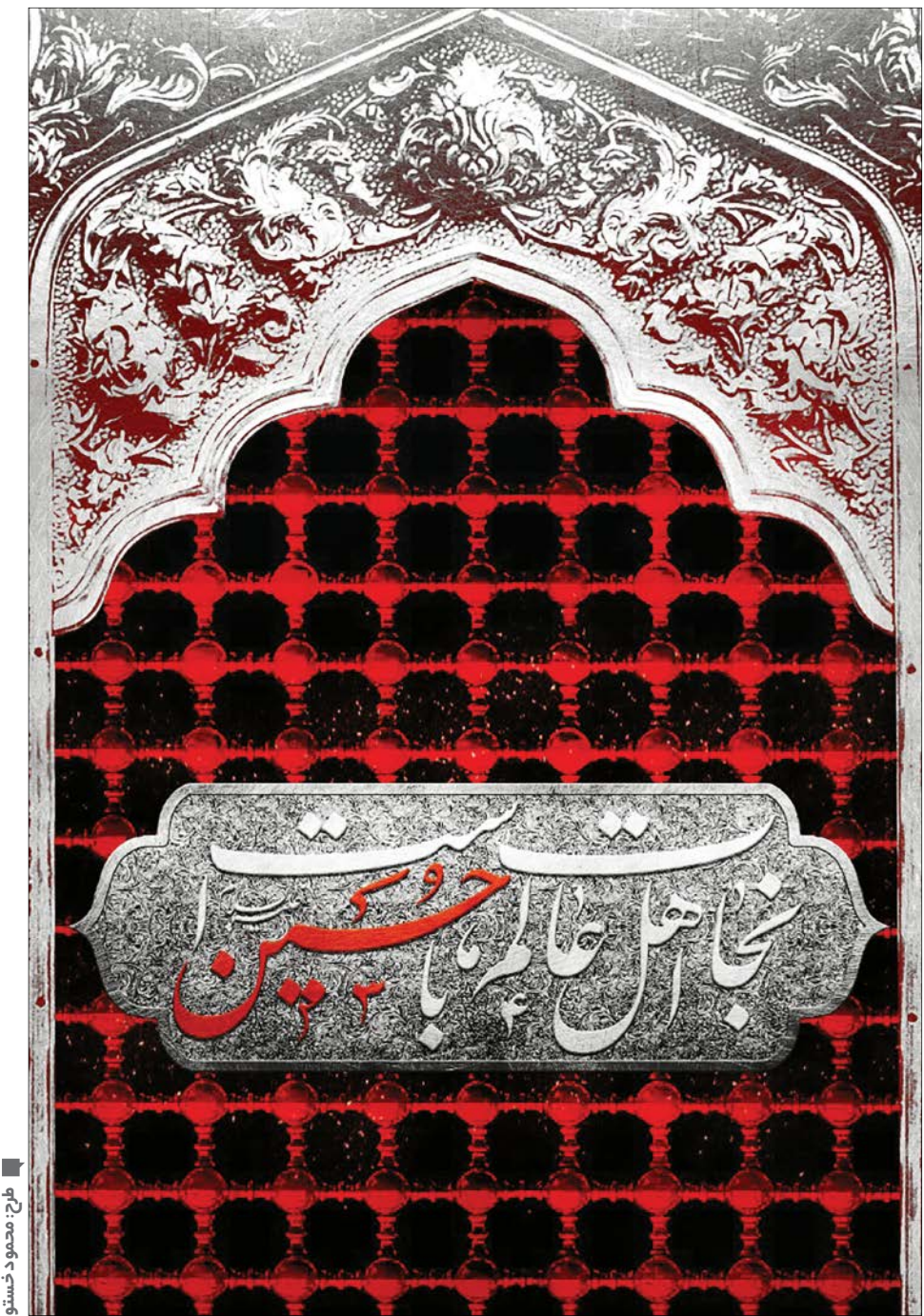
۱۶

گفت‌وگو با «جلیل رسولی»:

## خوشنویس خودش را می‌نویسد و قاب می‌گیرد



۱۲



طرح: محمود خسرو

روزنما

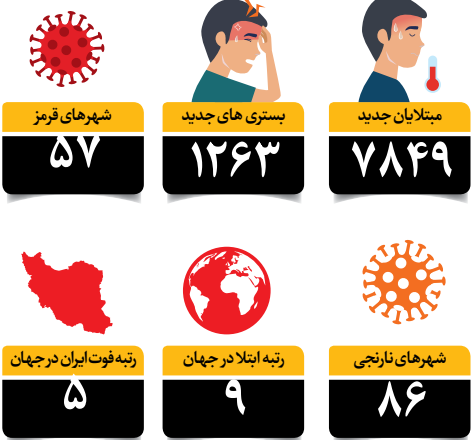
## نجات اهل عالم با حسین است

به تورشک می‌برم ای محترم! ای شاعر سینه سوخته اهل بیت (ع) که چگونه با نگاه هنرمندانه‌ات و با احساس شاعرانه‌ات، توانستی واقعیتی را بیان کنی که هر سال این روزها در جان جهان می‌بینیم. آتشی را دیدی که سینه‌های عاشقان را می‌سوزاند و صدای ناله‌هایی را شنیدی که در سینه‌های اهل عالم غلیان می‌کند. تو غلغلای را دیدی که نه تنها در خاک، که در لاهوت و ملکوت برپا شده است. دیدی که سربازهای قدسیان برزائوی غم است و از رستخیز عامی گفتی که نامش محرم است. این شورش که در اهل عالم افتاده است تنها به قلم و بیان تو تجسم پیدا کرده و پیروده نیست ما قرن هاست با صدای تو بغض می‌کنیم، آشک می‌ریزیم و آه می‌کشیم. امروز اول محرم است، اول روزهای آه و آتش، روزهای داغ و جامه دیگر کردن. جامه سیاه برتن می‌کنیم و سوگوار پدر و معلم می‌شویم. مگر نه این‌که امه (ع) پدران این امتد و ما این روزها در ماتم پدرامیم و سیاهپوش معلم بزرگمان و این ما که می‌گوییم، نه فقط ما ایرانیان یا شیعیان بلکه مظلوم هر آزاده‌ای در جهان است که صدای سید و سالار ما را شنید که فرمود: مرگ با عزت بهتر است از زندگی با عزت. امروز اول محرم است، روزاول عاشقی.

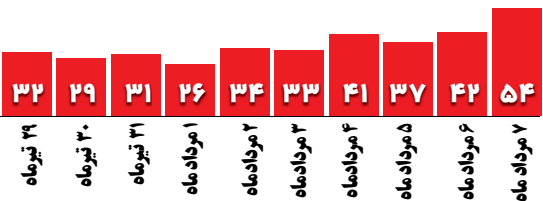
روی خط کرونا

## ناخت ابتلای کرونا در ایران

کرونا همچنان می‌تازد، با این تفاوت که در یک هفتم که هنوز به قله آن هم نرسیده‌ایم، هرفرد بیمار به طور متوسط حدود ۱۸ نفر را می‌تواند مبتلا کند.



میزان فوتی‌های کرونایی در ۱۰ روز گذشته



نگاه

## چرا باید سهروردی خواند؟



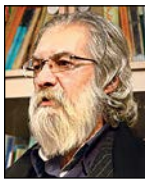
آرش شفاعی  
دبیر گروه فرهنگ و هنر

امروز را در تقویم رسمی کشور به نام شیخ شهاب‌الدین سهروردی و بزرگداشت این فیلسوف بزرگ قرن ششم هجری نامگذاری کرده‌اند. بی‌تعارف احتمالاً بسیاری از ما سهروردی تنها چیزی که به خاطر می‌آوریم، نام خیابانی است در تهران و نه بیشتر. البته خیلی‌ها می‌دانند که در برابر این سؤال که چرا ما هیچ چیزی از سهروردی نمی‌دانیم، با قیافه حق به جانب می‌گوییم آخر دانستن این‌که یک فیلسوف در حدود هزار سال قبل چه چیزی گفته یا نگفته چه دردی از ما دوا می‌کند؟ در برابر این پرسش دو پاسخ می‌شود داد یکی این‌که بگوییم بله نظرات فیلسوفی در قرن ششم هجری برای شما در قرن پانزدهم هجری؛ نه نان می‌شود و نه آب اما خیلی چیزهای دیگر هم هست که احتمالاً من و شما حاضریم برایشان وقت و انرژی بگذاریم اما در نهایت آنها هم آب و نان نمی‌شود. ضمن این‌که اصلاً مگر همه چیز باید نان و آب بشود که ارزش وقت گذاشتن، فهمیدن و دنبال کردن داشته باشد؟ آیا این‌که بدانیم که بوده‌ایم و چه فکرمی‌کرده‌ایم، بدانیم ایرانی بودن چه معنایی دارد و فکرو ذهن ما به عنوان ساکنان این سرزمین چگونه شکل گرفته است، ارزش وقت گذاشتن دارد یا نه؟ آیا این‌که از بنیادهای تاریخ، تفکرو زندگی اجتماعی خود چیزی ندانیم باعث نخواهد شد دچار نوعی خودباختگی، رکود و بی‌رغبتی به آینده بشویم و به راحتی در برابر هر تندبادی، قد خم کنیم؟

حالا اصلاً این حرف‌ها چه ربطی به سهروردی دارد؟ ربطش این است که بدون فهمیدن و خواندن سهروردی، درک و آگاهی ما از مفهومی به نام انسان ایرانی ناقص است. شاید فکر کنید اغراق می‌کنم ولی بگذارید برای این‌که تعجب‌تان کامل شود بگویم سهروردی تنها سی و سه سال در این دنیا زندگی کرده است اما او توانست در این دوران کوتاه در زندگی‌اش نظام اندیشه‌ای منسجمی برای تفکر ایرانی طرح‌ریزی و نظریه‌بندی کند که همه جنبه‌های پیچیده هویت، اندیشه و علائق مردم این سرزمین را در خود جمع کرده بود. او تناقضات مهمی را که ایرانیان را دچار مشکل کرده بود و همیشه به شکلی آنان را به دنبال خود می‌کشید، حل کرده و به خصوص دو تناقض مهم در دستگاه فکری سهروردی حل شد، تناقض‌هایی که هم سوبه‌ای هویتی و تاریخی داشتند و هم سوبه‌ای فکری و حسی. سهروردی سی و چند ساله، قبل از این‌که به تیغ کینه‌عاملان خلیفه گرفتار و کشته شود، تضاد میان پیش و پس از اسلام و تضاد میان عشق و عقل (بخوانید فلسفه و عرفان!) را در درون و وجود ما ایرانیان به شکلی منسجم از میان برد و حکمت خسروانی او و نظام فکری فلسفی‌اش که به نام «اشراق» خوانده می‌شود، همزمان هم بر بنیاد آموزه‌های اسلامی استوار است، هم ستون‌هایی از تفکر، نشانه‌ها و اندیشه‌های ایران زرتشتی را با خود دارد و باز این‌که همچنان که فلسفی است، عرفانی هم هست و البته به خانقاه بازی و کلاهبرداری‌های شبه‌عرفانی هم در نمی‌غلند. راستش را بخواد حرف زدن درباره یک فیلسوف بزرگ مثل سهروردی جرأت و دانش زیادی می‌خواهد و من هم نمی‌خواهم در این باره زیاد کم‌دانشی خود را آشکار کنم ولی خواستم در پاسخ به کسانی که نمی‌دانند چرا باید سهروردی خواند، بگویم، خیلی‌ها معتقدند کاری که فردوسی برای زبان ما ایرانیان کرد، سهروردی برای اندیشه و تفکرمان کرد و ارزش کار این بزرگ برای ایران و ایرانی به اندازه کاری است که فردوسی برای زبان و تاریخ ما کرده است. پس واقعاً قبول دارید که بدون خواندن سهروردی و درک حرف‌هایش، ادراک ما از مفهومی به نام انسان ایرانی چقدر ناقص است؟

دیدگاه

## ستاره‌های همیشه درخشنده



سینا واحد  
نویسنده

دعوت به «غیب» و «مفاهیم غیبی» و جاودانگی و پرواز در جهان ملکوت و فراتر رفتن از زندگی مادی، حقیقتی بود که هیچ هنرمند نقاشی نمی‌خواست با آن تماس برقرار کند و با قدرت «خط» و «رنگ» درباره آن حرف بزند. تشعشع پرتفوژ و پرفریب تمدن مادی در پایان قرن بیستم، آنچنان قدرتمند و پدیده شده بود که به هیچ هنرمندی اجازه نمی‌داد به سهولت و بدون موانع درباره «ارزش‌های آسمانی» حرف بزند، طراحی کند و سپس تولید و آفرینشگری‌های هنرمندانه را به نمایشگاه‌های هنری ببرد. در بازار گسترده هنر، «معنا» و «جاودانگی» و «پرواز» خریدار نداشت و البته تقدیرکننده و حمایتگر اجتماعی و رسانه‌ای هم نداشت. در این بازار، هنر و نقاشی می‌کشید زندگی طبقه مرفه و پولدار را از خشونت‌های گسترده و فراوان، پاک جلوه دهد و «ناپاکی» را پشت رنگ‌ها و تابلوها به نمایش درآمده پنهان کند تا چرخه حیات و تنفس انسان‌ها، شیرین‌تر و شیرین‌تر... شود و خشونت «فرساینده تمدن بی‌خدا و بی‌آسمان»، از جلوی چشم کنار رود.

با این همه، «انقلاب خدایی» که در ایران رخ داد، توانست سطره ارزش‌های جهانی تمدن علمی و مادی غریبان را در اعماق تفکرو ذهنیت هنری برخی هنرمندان جوان ایرانی بشکند و امکان سخنی نو و طرحی و اندیشه‌ای جدید را در دنیای بازی با «رنگ‌ها» فراهم آورد. به لحاظ نگاه تاریخی در نیمه اول دهه ۶۰، اتفاقات بزرگی که در جامعه ایرانی رخ می‌دهد، اتفاقات و حوادثی با شخصیت کامل و برجسته جهانی است. «ترور رئیس‌جمهور ایران»، یک حادثه جهانی است. البته ترور «شهید بهشتی» و هم‌رازان نیز یک حادثه دیگر جهانی... تصرف سفارت آمریکا توسط دانشجویان جوان و تغییر نام آن به «لانه جاسوسی»، یک حادثه بزرگ قرن بیستمی به حساب می‌آید. در چنین شرایط روحی و روانی و پرکشاکش ذهنیت‌های جوان جامعه ایران انقلابی است که «هنر نقاشی» ایران جدید یا به میدان کارزار می‌گذارد و با «احترام» و «تعلیم» ارزش‌های دینی و با تقدیس و تکریم «خون شهید» و «پرواز روح...» هنر نقاشی جامعه انقلابی متولد می‌شود. «حبیب‌ا... صادقی»، یکی از چهره‌ها و ستاره‌های درخشنده جوانی بود که در این فرآیند پرتلاش و کوشش، تولد مکتب جدید، نقشی شجاعانه و مومنانه ایفا کرد و هیچ‌گاه از شخصیت بخشیدن به «هنر نقاشی» با تاریخ و با میراث و با «هویت و ایمان» دور نشد.

«حبیب‌ا... صادقی» از همان روزهای پرحادثه تاریخ بعد از انقلاب با نقاشی‌هایش نشان داد که ستاره‌ای درخشنده در تاریخ پرتلاطم هنر ایران زمین است.

یادداشت

## طرح شوم آمریکایی و هوشیاری ایرانی



امیرفرزجری  
نویسنده و تحلیلگر

حل کنند؛ کاری که ترامپ با راهبرد فشار حداکثری موفق به انجام آن نشد ولی دموکرات‌ها، فربکارانه و مودبانه راهبرد تحمیل رژیم سازی خلع سلاحی و کنترل تسلیحات را در ذهن دارند. حمله موشکی ایران به عین‌الاسد، محافل راهبردی آمریکا را برای محدود کردن دفاعی ایران مصمم کرده است. آنها خوب می‌دانند جمهوری اسلامی ایران به دنبال ساخت بمب اتمی نیست و از این رو با خیال راحت به دنبال آن هستند که ابتدا هزینه شکست گفت‌وگو را از شانه‌های خود برداشته و آن را به دوش ایران بیندازند تا ضمن فعال کردن مکانیسم‌های کنترلی برجام، زمینه را بر طرح کلان خود فراهم کنند. دوم به جهان اعلام کنند ما می‌خواستیم به برجام برگردیم ولی ایران نخواست و سوم بهانه داشته باشند تا همزمان به تحریم و فشار خود ادامه دهند. این روش دموکرات‌ها را اروپایی‌ها بیشتر می‌پسندند، چون یک مانع امنیتی به نام ایران را در محیط پیرامونی کنترل می‌کنند و دوم به وجه نرم آنها آسیب کمتری می‌زند. شخص مشاور امنیت ملی آمریکا خیر فروش پیهادی ایران را به روسیه اعلام و رسانه‌ای می‌کند. اظهار نظر در این سطح بالا عامل مهمی است که نشان دهنده تشکیل شدن پرونده امنیتی توانمندی ایران در بالاترین نهاد امنیتی آمریکاست که به معنی کلیدخوردن رسمی عملیات اعمال نظام جامع خلع سلاح ایران در منطقه است. همزمان با تحریم‌های پیشین برنامه‌های موشکی ایران، صنعت پیهادی ایران را تحریم و سخنگوی وزارت خارجه آمریکا برخلاف موضوع‌گیری‌های قبلی، پرتاب‌های تحقیقاتی فضایی ایران را به عنوان نقض برجام اعلام و زمینه‌سازی رسانه‌ای می‌کند. در سفر منطقه‌ای باین تلاش می‌شود ایران همچنان یک کشور امنیتی، استثنایی و غیرعادی در نظام بین‌الملل مطرح شود. آنچه در این شرایط اهمیت دارد، افزایش هوشیاری در مذاکرات هسته‌ای و طرح ریزی برای خنثی سازی طرح شوم آمریکایی است و لازمه همه آنها تقویت نقاط قوت کشورمان همانند توان موشکی، پیهادی و اضافه کردن ابعاد جدید به مؤلفه‌های دفاعی و بازدارندگی همانند توان سایبری و هوش مصنوعی و توان دفاع زیستی و راهبرد متنوع سازی و ترکیبی الگوهای دفاعی نوین است. نباید فراموش کنیم هر نوع عقب نشینی، پیشروی دشمن را به همراه خواهد داشت و تاریخ نشان داده، با پامردی همیشه جواب داده است.

در مذاکرات هسته‌ای موسوم به برجام، خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران شفاف و روشن است. اصلی‌ترین خواسته‌های منطقه‌ای، نخست بهره‌مندی از تضمین‌های اطمینان بخش از عمل به تعهدات است. طرف آمریکایی نیز دقیق می‌داند ایران چه می‌خواهد ولی دست‌دست کردن آمریکایی‌ها بی دلیل نیست. واقعیت آن است که آمریکا نمی‌خواهد مذاکرات به نتیجه برسد و تاکتیک آنها در این مرحله فرسایشی کردن مذاکرات و در نتیجه شکست مذاکرات و مقصر جلوه دادن ایران است و اگر به توافقی دست یابند کاملاً موقت و تاکتیکی خواهد بود و هیچ تضمینی به تداوم آن وجود ندارد. آنان به خوبی انرژی و موقعیت ضعف آمریکای دوران ترامپ را پس از خروج برجام در مذاکرات لمس کردند و هم اکنون در تلاشند وضعیت مذاکرات را از جایگاه مجرم به شاکی تغییر دهند. سؤال این است آنها چه نقشه‌ای در سر دارند؟ پاسخ ساده این که آمریکا به دنبال اجرای طرح کلان خلع سلاح ایران در قالب رژیم کنترل تسلیحات جامع است. آنها معتقدند باید موضوع ایران را در یک بسته جامع حل کنند.

در دوران اوباما و در آغاز مذاکرات هسته‌ای، آمریکایی‌ها برای نتیجه گرفتن در برابر ایران و شکستن تابوی مذاکره با ایران، راهبرد بررسی به صورت بسته رامطرح کردند. بسته اول: موضوعات هسته‌ای. بسته دوم: موضوعات منطقه‌ای و بسته سوم: موضوعات موشکی. در صورت حل بسته اول، سراغ بسته دوم و سوم می‌روند. در ایران برخی‌ها نام مدل را برجام یک و دو و سه نامیده‌اند که با تذکر جدی رهبر معظم انقلاب پیگیری نشد.

با روی کار آمدن ترامپ، وی اعلام کرد قرار بود همه مسائل ایران حل شود و به رغم توافق هسته‌ای، ایران هنوز در منطقه مؤثر است و پیشرفت‌های موشکی آن متوقف نشده. لذا معترض بود که برجام فقط ایران را کنترل و محدود نکرد بلکه آن را قوی‌تر کرده است.

در دوره جدید، دموکرات‌ها به دنبال حل انقذار جمهوریخواهان از برجام هستند و می‌خواهند تمام مسائل مرتبط با ایران را در قالب یک بسته